



پیام محمد  
آسنگران  
به مردم  
کامیاران صفحه ۲

## اعتراض وسیع مردم کامیاران ادامه دارد

هستند. مردم همچنان خواهان پرداخت خسارت به خانواده اقبال رحمانی که بر اثر تیراندازی مزدوروات رژیم جان باخت و همچنین زخمیها و کسانی که مزدوران رژیم اجناسشان را به غارت برده اند هستند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزه جسورانه مردم شهر و منطقه کامیاران علیه تعرض جانینان رژیم به جان و مال مردم قدردانی میکند و خواستار ادامه مبارزه تا معرفی جنایتکاران و پرداخت تمام و کمال خسارت به قربانیان حمله جنایتکارانه مزدوران و برجیدن پستهای بازرسی و کنترل رفت و آمد مردم منطقه است.

۲۸ اردیبهشت ۸۳  
(۱۷ مه ۲۰۰۴)

## اطلاعیه شماره ۵۳ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

طبق آخرین خبرهای رسیده از شهر و منطقه کامیاران دامنه اعتراضات وسیع مردم گسترش یافته است. در شهر کامیاران مردم اکثرا در خیابانها و چهارراهها اجتماع کرده و یا آتش روشن کرده اند. جاده کامیاران تا روستای گشکی، محل وقوع جنایت رژیم به فاصله ۱۰ کیلومتر کماکان در کنترل مردم است. مردم شهر و روستاهای منطقه در تظاهرات و اجتماعات بزرگ خود در شهر کامیاران و در روستای گشکی در مقابل پست بازرسی نیروهای انتظامی رژیم خواهان معرفی و مجازات جنایتکاران



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم جنبش  
باز گرداندن اختیار  
به انسان است.

منصور حکمت

پیامهای  
ابراهیم باتمانی (شیروانه)  
و جمال کمانگر به مردم  
کامیاران  
صفحه ۲

منصور حکمت:  
پرچم تغییر و قدرت

عبدالله شریفی  
صفحه ۴

تشکر و سپاسگزاری

طه و مهدی حسینی  
صفحه ۴

عبدالله مهدی و پرچم  
کردستان

ایرج فرزاد  
صفحه ۳



علی عبدالی

تظاهرات  
صدهزار نفره در  
اسرائیل، نقطه  
امید پایان دادن  
به جنون ترور  
در خاورمیانه

صفحه ۲

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹  
بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال  
سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیام محمد آسنگران به مردم کامیاران

### زنان و مردان آزاده!

روز دوشنبه با حمله مامورین حکومت اسلامی به يك كاروان از مردم زحمتکش که از مریوان به کامیاران حرکت میکرد، متأسفانه اقبال رحمانی جان خود را از دست داد.

از صمیم قلب به خانواده و بستگان اقبال رحمانی و مردم کامیاران تسلیت میگویم و امیدوارم که مرا در غم خودشان شریک بدانید.

اعتراضات روز دوشنبه شما در شهر کامیاران و روستای گشکی علییه نیروهای رژیم اسلامی اقدامی فوری و بجا بود. این يك حرکت عظیم توده ای بود

که یکبار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی ایران بر دریایی از خشم و نفرت مردم نشسته و این مردم هر آنگاه که متحدانه به میدان می آیند مزدوران حکومتی مجبور به فرار شده و خودشان را مخفی میکنند. به همه زنان و مردان آزاده و به همه جوانانی که فعالانه در این حرکت عظیم شرکت داشتند، درود میفرستم. در قدم بعدی برای تعمیق مبارزاتی که آغاز کرده اید باید متحدانه همراه خانواده اقبال رحمانی و زخمی شده گان واقعه روز دوشنبه خواهان معرفی و محاکمه قاتل یا قاتلین روز دوشنبه مردم بشوید. علاوه بر این رژیم اسلامی باید به خانواده اقبال رحمان و زخمی شده گان روز دوشنبه خسارت بپردازد. اینبار

باید درس عبرتی به رژیم اسلامی داد که جرات نکنند این چنین بی محابا به روی مردم تیر اندازی کنند. امیدوارم با گسترش این مبارزات در همه جا بتوانیم این حکومت ضد انسانی و جنایتکار را سرنگون کرده و بجای آن حکومتی مدافع حقوق انسانی، حکومت سوسیالیستی بر پا کنیم.

### زنده باد مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت

#### اسلامی

#### مرگ بر جمهوری

#### اسلامی

#### زنده باد جمهوری

#### سوسیالیستی

### بخشهایی از پیام لبراهیم باتمانی (ابراهیم شیروانه) به مردم کامیاران

تظاهرات بزرگ راه انداختید و خواستار مجازات جانیمان شدید. دستتان درد نکند! بگذار رژیم و نوکرانش بدانند که اگر بخواهند روی یکی از ما دست بلند کنند مشتای همه مردم گره شده و بر دهانشان کوبیده میشود. بگذار جنایتکاران بدانند که دیگر هیچ کارگری، هیچ زنی، هیچ جوانی و هیچ زحمتکش و انسان شریفی در مقابل آنها تنها و منفرد نیست، همه با هم هستیم.

### زنده باد همبستگی شما مردم مبارز و آزادیخواه

۲۸ اردیبهشت ۸۳  
۱۷ مه ۲۰۰۴

### تمام ناپسمانیهای موجود جمهوری اسلامی است. شما را به گسترش مبارزات برای معرفی قاتل یا قاتلین که چنین جنایتی مرتکب شدند و پرداخت غرامت به خانواده اقبال و زخمیها فرا میخوانم.

باید دست در دست هم برای بنیاد نهادن دنیایی آزاد، برابر و مرفه حول آرمانهای سوسیالیستی طبقه کارگر مبارزمان را گسترش دهیم.

### مرگ بر جمهوری اسلامی

### زنده باد آزادی برابری، حکومت کارگری

۲۹ اردیبهشت ۸۳

### مردم آزادیخواه کامیاران!

ضمن تسلیت به خانواده اقبال عزیز و به همه شما مردم مبارز کامیاران، از اینکه شما مردم آزاده منطقه ساکت نشستید و فریاد اعتراضتان را بلند کردید قدردانی میکنم. زنده باشید شما زنان و مردان و جوانان شهر کامیاران و روستاهای منطقه که جسورانه بپا خاستید، به روی مزدوران رژیم تف انداختید، ماشینهایشان را سنگباران کردید، اجتماعات و

### بخشهایی از پیام جمال کمانگر به مردم کامیاران

### مردم آزادیخواه و جوانان مبارز کامیاران!

روز دوشنبه مزدوران رژیم اسلامی بار دیگر دست به جنایتی وحشیانه علیه مردم زحمتکش زدند. آتش کشودن به روی مردمی که برای چندرقازی باید هرروز از دهها پست و بازدید رژیم عبور کنند تا مخارج خانواده شان را تامین کنند به امری عادی تبدیل شده است. اینبار مزدوران رژیم جان اقبال رحمانی را گرفتند. این ضایعه دردناک را به خانواده و

بستگان اقبال تسلیت میگویم و خود را شریک غم از دست دادنش میدانم و برای زخمیهای این وحشیگری مزدوران رژیم بهبودی سریع و کامل خواهیم.

جمهوری اسلامی روی دریایی از نفرت مردم در سراسر ایران به حیات ننگینش ادامه میدهد. اعتراضات و واکنش سریع شما در کامیاران و گشکی بار دیگر عزم همه را برای سرنگونی رژیم اسلامی نشان داد. بانی و مسبب

## تظاهرات صد هزار نفره در اسرائیل، نقطه امید پایان دادن به جنون ترور در خاورمیانه

### علی عبدالی

آزادیخواهان مردمی است که دولت جنایتکار اسرائیل را از این گستاخی بازداشته و به زانو در می آورد. تا همینجا این جنبش توانسته است جهتگیری سیاسی جامعه اسرائیل را به چپ هدایت کند بطوریکه قدرت این حرکت حتی توانست حزب کارگر اسرائیل و چهره هایی چون شیمون پرز را بوادار کند که در مقابل دولت شارون در قامت اپوزیسیون ظاهر شوند.

بدنبال ۱۱ سپتامبر که کشمکش جهانی تروریسم میان تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا دو قطبی شد، اسرائیل به پیروی و تبعیت از آمریکا تحت نام مبارزه با تروریسم اسلامی از وقاحت بیشتری چه علیه فلسطینیان و چه علیه مخالفین داخلی کمک گرفت. ولی همانطور که دو قطب تروریسم جهانی قطب سوم آزادیخواهی را بموازات خود موجب شد اکنون امواج توفنده این قطب انسانی و آزادیخواهی دارد کناره های دولت اسرائیل و سردمدارانش را لمس کرده و بمصاف میطلبد.

اکنون با عروج این جنبش عظیم در اسرائیل، که بخشی از جنبش قطب سوم و بمشابه نوك این كود عظیم یخ است میتواند و باید با تداوم فشارهای خود دولت اسرائیل را به زانو در آورده و وادار به عقب نشینی از کلیه سرزمینهای اشغال شده نموده، ساکنین اسرائیلی را به مکانهای اولیه خود برگردانده و از همه مهمتر کلیه آوارگان فلسطینی که چند دهه در آوارگی بسر برده اند در صورت تمایل به محل زندگی خود برگردند تا این اقدامات زمینه های مذاکرات صلح و ایجاد دولت مستقل فلسطین را در کنار مردم اسرائیل فراهم آورد. این جنبش باید در اقصا نقاط جهان از جانب کارگران و مردم آزادیخواه مورد تقدیر و پشتیبانی قرار گیرد.

\*\*\*

روز شنبه اخیر بیش از صد هزار نفر از مردم اسرائیل در خیابانهای تل آویو، پایتخت این کشور به خیابانها آمدند تا با ابراز اعتراض و تنفر خود از سیاستهای راست ارتجاعی دولت آریل شارون و حزب لیکودش خواهان فوری عقب نشینی اسرائیل و تخلیه مناطق اشغالی نوار غزه در کناره غربی ساحل رود اردن در فلسطین شوند.

این نمایش قدرت مردمی در حالی صورت میگردد که آریل شارون در راس دولت ارتجاعی و با حمایت حزب لیکود و سکت های مذهبی - نژادپرست در چند سال اخیر بر شدت تهاجم و جنایات خود بر مردم فلسطین و اشغال مناطق بیشتر و بمبارانهای هر چه وسیعتر مناطق مسکونی مردم و اردوگاههای پناهندگان فلسطین افزوده است. اما بعلاوه مورد هدف قراردادن سران گروههای اسلامی بطور سیستماتیک و بشیوه های تروریستی، زمینیه رشد تروریسم اسلامی را فراهم نموده و خون تازه ای به رنگ این تروریسم داده است. سیاستهای ترعیب و تخریب و نیز در این اواخر، جدا سازی مردم اسرائیل و فلسطین توسط دیوارهای بلند و طویل بتونی، اوج سادیسیم و گتوسازی قومی - مذهبی شارون و دولت ارتجاعی اش را بنمایش گذاشت چنانکه تقریبا تمام امیدهای چند سال قبل در جهت مذاکره و برقرار کردن صلح را به بن بست رسانده است.

این اعمال دولت اسرائیل اگرچه گاهگداری با مخالفتهای کجدار مریض اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر روبرو بوده است، اما همواره از پشتیبانی بیدریغ دولت آمریکا و سران آن برخوردار بوده است. پشتیبانی صریح چند هفته قبل بوش از طرح ارتجاعی شارون بعضا تعجب و تنفر زیادی را در دنیا برانگیخت.

تجربه بار دیگر نشان داد که این نه دولتهای سرمایه داری حامی دولت اسرائیل، بلکه قدرت جنبش

## عبدالله مهدی و پرچم کردستان

### سرباز مذبذب ناسیونالیسم

#### ایرج فرزاد

مدتی است که عبدالله مهدی در تلاش است تا تاریخ دیگری را برای خود جمع و جور کند و اصرار عجیبی هم دارد که این تاریخ تراشی را به ناسیونالیسم کرد و احزاب هم بخوراند.

اخیرا عبدالله مهدی تصمیم "به اتفاق آرا" رهبری سازمان زحمتکشان اش را برای بلند کردن پرچم سه رنگ و با نشانه خورشید در وسط آن بعنوان سمبل سازمان متبوع خود به استحضار رساندند. فرموده اند که این پرچم دیگر متعلق به حزبی خاص ( منظور و کنایه به مالکیت "انحصاری" حزب دمکرات بر این پرچم است) نیست.

بسیار خوب، مبارک است! اما نمیشود نوع ناسیونالیستی "مه لا کریکار" اسلامیون را هم در یک چشم بهم زدن پیش پای احزاب ناسیونالیست کرد و دارای سوابق و تاریخ معرفه گذاشت و تقاضای سهم کرد.

این آقای عبدالله مهدی با هزار قسم و آیه به خاک کردستان و دزدیدن نام کومه له آنها بعنوان "یک حزب کردی"، با فراخوان برای تحريم زبانهای دیگر، با تعريف ظرایف و خواص جادویی پرچم کردستان و "رمز" های آن، نمیتواند خود را در بازار ناسیونالیسم کرد حراج کند و کالای قاچاق و با مارک جعلی بفروش برساند.

سرباز مذبذب ناسیونالیسم "ماموستا" عبدالله تاریخی دارد، برای مدت‌های طولانی خود را کمونیست خوانده است و با این نام فعالیت سیاسی کرده است. در کنگره دوم کومه له خود را از اتحاد مبارزان کمونیست، رادیکالتر میدانست تا جایی که در قطعنامه پیشنهادی او، "مساله ملی" امر بورژوازی کرد تلقی میشد و کمونیست‌ها از دخالتگری سیاسی در این رابطه منع میشدند. منصور حکمت به داد رهبری کومه له رسید، آن قطعنامه را مورد انتقاد قرار داد و بی وظیفه کردن کمونیست‌ها در قبال یک مساله

سیاسی را نادرست خواند. اما مرزبندی ماموستا با ناسیونالیسم کرد و مشخصا حزب دمکرات و از جمله با گرایش ناسیونالیستی درون کومه له ادامه یافت. در مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران و در دوره تدارک آن حزب، به پیشنهاد منصور حکمت و درایت سیاسی او، برای تسهیل مبارزه کمونیست‌ها با گرایش ناسیونالیسم کرد و به منظور ایجاد سدی در برابر تبلیغات ضد کمونیستی حزب دمکرات و بیگانه ستیزی ناسیونالیسم کرد، به کومه له "حق ویژه" تفویض شد. عبدالله مهدی در کنفرانس مشهور به سمینار کادرها در شمال، خطاب به کادری که کومه له حاضر در جلسه هشدار داد که: "رفقای کومه له این حق ویژه را بعنوان تاج افتخار بر سرتان نگذارید، این تاوان عقب ماندگی ماست". مدتی گذشت، حزب کمونیست ایران تشکیل شد و حزب دمکرات جنگ با کومه له را سراسری کرد. در مقابل این جنگ، موضوع کومه له و دورنمای آن، منصور حکمت در مجموعه ای از بحث و جدل درونی و علنی به کومه له هشدار داد که سیاست جنگ تا پیروزی و سیاست توضیح جنگ بر سر رهبری "جنبش کردستان" خود ناسیونالیستی است و پرده سناریو درگیری بین جناحهای گرایش ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق را در کردستان ایران باز میکند. بخشی از این اسناد مهم تاریخی در یک شماره ویژه ایسکرا منتشر شده است که خواننده میتواند برای رد یابی رگه های ناسیونالیستی در رهبری کومه له و از جمله در ذهنیت همین عبدالله مهدی به آنها مراجعه کند. آتش بس یک جانبه اعلام شد و عبدالله مهدی یکی از کسانی بود که به این پیشنهاد و طرح منصور حکمت رای متنع داد. در همان دوره ها، یعنی در اواسط سال ۶۴ (ژوئن ۱۹۸۵)، عبدالله مهدی مقاله ای نوشت تحت عنوان "ادامه جنگ داخلی و سیاست ما"، که ترجمه کردی آنها

در پیشرو کردی شماره ۱۵ منتشر شد. در این مقاله عبدالله مهدی از جمله چنین نوشت: "جنگ انقلابی ما، تبلیغات ما، تمرکز نیروهای ما مجموعا باید ملامت از اتوریته و قاطعیت و ایمان به ضرورت و مسلم بودن پیروزی ما باشد. نباید برای یک لحظه هم فراموش کنیم که امروز جلب حمایت توده ها برای به شکست کشاندن جنگ هیستریک حزب دمکرات، قبل از هر چیز به ایستادگی و موضع قاطعانه ما در برابر این جنگ و ظاهر شدن با اتوریته ما در تبلیغات و خود جنگ و نیز کار آگاهگرانه پیشرو گره خورده است." (پیشرو کردی، شماره ۱۵ صفحه ۹)

همین عبدالله مهدی که به آتش بس یک جانبه کومه له رای ممتنع میدهد و در تقابل با سیاست مسئولانه منصور حکمت، در صدد باز کردن سناریو جنگ احزاب "کردی" برای احراز رهبری در "جنبش کردستان" بود و در ضمیر آنوقت پنهانش قصد داشت کومه له را به بازوی "سوسیالیست" جنبش کردی و جنگ پایان ناپذیر و خونین بکشاند، بعدها و پس از رها شدن از فشار کمونیسم، به منظور ایجاد "جبهه کردستانی" به گدائی حزب دمکرات رفت و بعد از سرشکستگی، به نام "مهین صادقی"، ناکامی خود را علنی کرد. همین آقای مهدی در رابطه با جنگ با حزب دمکرات، در کمال بیشرمی فرمودند که محرک و بانی جنگ ادامه جنگ با دمکرات منصور حکمت و "فارسها" بوده اند! در هر حال تاریخ چندین سال و سند مکتوب و کارنامه ثبت شده را خوشبختانه نمیتواند کاری بکند. خزیند ماموستا عبدالله کردی زیر پرچم کردستان از جهاتی دیگر نیز ساده نیست. این آدم قابل اعتماد نیست، و آن هنگام که کمونیسم و منصور حکمت را ریسمانی برای آویزان شدن تشخیص داده بود و فکر میکرد که جاه طلبی و مقام پرستی و پرسن مآبی اش میتواند در سایه کمونیسم و

منصور حکمت دست یافتنی باشد، در رسای کمونیسم و منصور حکمت، تعجیل داشت. در کنگره سوم کومه له، جانی که شیخ عزالدین و جلال طالبانی و ملا بختیار و خالد از سه "پارچه" کردستان میهمان بودند و دلهره و نگرانی خود را از تصمیم رهبری کومه له برای تصویب برنامه مشترک با اتحاد مبارزان پنهان نمیکردند، عبدالله مهدی در نقطه اختتامیه سخنرانی غرائی در تمجید از تلاشهای صمیمانه اتحاد مبارزان و منصور حکمت ایراد کرد. جالب است که بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران و بویژه پس از کنگره دوم آن حزب و تشکیل فراکسیون کمونیسم کارگری، عبدالله مهدی از اینکه به عنوان عضو فراکسیون پذیرفته نشد. کابوس می بیند و دچار مشکل روحی میشود. پس از جدائی منصور حکمت از حزب کمونیست ایران، عبدالله مهدی در کمونیست شماره ۶۳، آخرین شماره این نشریه که منصور حکمت هنوز عضو دفتر سیاسی آن حزب بود، در رابطه با تصمیم خود برای دفاع از کمونیسم و حزب کمونیست، و در تقابل با ناسیونالیسم چنین نوشت: "حزب کمونیست در عین حال باید مانند یک حزب انترناسیونالیستی پیگیر در مقابل امواج زیانبار ناسیونالیسم و ملی گرایی در جهان و در منطقه که امروزه کارگران را به تفرقه و جدائی تهدید می کند، بایستد و از منافع واحد و همگانی طبقه کارگر دفاع نماید و نیز همچون بخشی از طبقه کارگر سوسیالیست در جهان، به مثابه سنگری برای دفاع از مارکسیسم و سوسیالیسم در مقابل هجوم جهانی بورژوازی عمل نماید" (کمونیست شماره ۶۳، نامه به اعضای حزب کمونیست ایران، مهر ۱۳۷۰)

ماموستا مهدی حتی آنگاه که حزب نفرت از منصور حکمت و کمونیسم کارگری را اعلام میکنند و تا مقطعی که با "جعبه سیاه" مشهورش و به یاری جلال طالبانی علیه کومه له و برای سرقت نام کومه له در جست و خیز است، هنوز خود را "کمونیست" مینامد. مشکل این بود که کمونیسم و مارکسیسم صاحب خودش را داشت و این منصور حکمت بود که

به اتوریته بلامنازع در صفوف و رهبری کومه له تبدیل شد. آویزان شدن به کمونیسم از سوی عبدالله مهدی به جایی نرسید. این منصور حکمت بود که پرچمدار نقد گرایش ناسیونالیستی درون کومه له، تعیین کننده سیاست در رابطه با همه مسائل آن و از جمله تدوین سیاست اصولی و درست در رابطه با حزب دمکرات، جنگ با آن و ارائه دهنده آتش بس یکجانبه به حزب دمکرات و تبدیل کردن آن سیاست به سیاست کومه له در مقابل گرایش "مبارزه بر سر رهبری جنبش کردستان" و چپ روی نظامی و راست روی در سیاست بود. بر باد رفتن امید واهی برای تبدیل شدن به کسی در مقابل حزب دمکرات و رو شدن تدریجی نیات واقعی ناسیونالیستی پشت این آویزانیسم به کمونیسم، عبدالله مهدی را به صرافت برپائی یک باند فالانژ ضد کمونیست انداخت. این فرصت تا مقطع توطئه کودتا علیه کومه له دست نداد. پرچم کردستان و کردایه تی ناب، نقطه فرود بعدی او برای یافتن گوشه ای در عرصه بازمه اشغال شده توسط احزاب اصلی ناسیونالیسم کرد و از آن جمله حزب دمکرات بود.

دو سه سالی است که حزب کردی، سیاست کردی، زبان خالص کردی، پیام به قیاده موقت کردی، جبهه کردستانی و فدرالیسم کردی، دفاع کردی از جنایات ارتشهای ویران کننده مدنیت جامعه عراق و قرار گرفتن در کنار مهره های سناریو سیاه عراق، ورد زبان عبدالله مهدی شده است. زمانی اسلامیون در کردستان در مقطع سال ۵۷ و فرودپاشی رژیم شاه، شعار "بوی کرد و کردستان در زیر پرچم اسلام" را سر میدادند تا کاره ای بشوند. در میان آنها، اما، امثال احمد مفتی زاده که به راستی پیشینه مجاهدات اسلامی و ضد کمونیستی توأم با ضد بهائیکاری در مکتب قرآن را داشت به صف رهبران اسلام سیاسی دیرپان و کردستان پذیرفته شد، بقیه توأبیین و "مسلمان ناها" به حاشیه رفتند و از جانب صاحبان بستر اصلی اسلام سیاسی تحقیر و توسری تحویل گرفتند. از جمله این شخصیتها، "مه لا کریکار" معروف است. ماموستا مهدی

## منصور حکمت، پرچم تغییر و قدرت



عبدالله شریفی

abe\_sharifi@yahoo.com

جمله معروف مارکس که اکنون بر مزارش نوشته شده است و زیانزد عالم است، این است که میگوید: (فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، در حالیکه مساله تغییر جهان است). مارکس زندگی خود را وقف این کرد که جهان وارونه و نابرابر را نقد کند و ضرورت تغییر آن را اثبات کند. منصور حکمت میگوید: (... تصرف قدرت سیاسی حلقه واسط گذار از تفسیر جهان به تغییر آن است...). منصور حکمت عمر کوتاه و پر بار خود را وقف این کرد که اثبات کند که این جهان وارونه و غیر قابل تحمل را چگونه و از چه طریق میشود تغییر داد. شما اگر خود را کمونیست میدانستید و در غیاب منصور حکمت و بدون نقد او میخواستید زانده و یا نقدی در حاشیه کمونیسم معاصر بمانید، سرنوشتی غیر از سرنوشت اعوان و انصار چپ سنتی ایران و کل آنچه که به سوسیالیسم بورژوازی و شعبات گوناگون سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم رواج یافت، پیدا نمی کردید. چپ ایران متأثر از انواع گرایشات متفاوت سوسیالیسم

بورژوازی، کمونیسم را به یک سکت مذهب زده و بدکار به ملت و ملی گرایی تمام عیار تبدیل کرده بود. درک این کمونیسم و دسترسی به آن، گذر از هفت خوان رستم بود. برای عبور از این گذرگاهها کسی که میبایست کمونیست شود و با این انتخاب قاعدتا میبایست کار و زندگی و افکارش روانتر و شاداب تر و آسانتر شود، به دوره ای پر رنج و پیچیده و غیر قابل درک بر میخورد، که بر عکس، هر خاصیتی دیگر داشت غیر از پیدا کردن راهی و نقطه امیدی. با این انواع "کمونیسم"، انسان به موجود غیر اجتماعی و پا در هوا تبدیل میشد، که مریخی بود و زبان آدمیزاد هم یادش میرفت. با کدهای کلیشه ای و مقولات با اطرافیان وارد مرادوه میشد، که نه خود از آن میفهمید و نه کسی از او... کسانی که هم نسل من هستند و نشان به تن نوعی از انواع این چپ خورده باشند انتهای این داستان غم انگیز و پر محنت را که انسانها شریف برای رسیدن به آرزوهایشان برای مقابله با ستم و تبعیض، برای رها شدن و رها کردن آمده بودند و در دام چنین تفکر چپ نما گرفتار میشدند را میدانند. این داستان طولانی است، تاریخ خود را دارد. باید نقد این سیستم فکری را از زبان منصور حکمت شنید. خوشبختانه امروز آثار منصور حکمت در دسترس است. منصور حکمت تلاش کرد که در مقابل این روند معکوس، کمونیسم انسانی را از حاشیه به متن جامعه باز گرداند. "کمونیسم آن

دوره که به چپ سنتی معروف است در حاشیه بود. برای رسیدن به آن میبایست یاد گرفت که چگونه از متن جامعه به حاشیه خزید. زبان، روش، ادبیات و شیوه مبارزه و تشکیلات مختص به خود داشت. در حالیکه این چپ، ریاکارانه مشغول جهاد برای سرکوب امپال درونی خود بود، منصور حکمت با شهامت و قدرت تصویر انسان را با تمام زوایای عاطفی و انسانی به ما آموخت. رهایی از این باتلاق یک دنیا ارزش دارد، چون جهانی دیگر را در مقابل چشمان خود میباید که قبلا علاقه و قدرت دیدنش را نداشته اید. در چنین اوضاع و احوالی شنیدن اینکه کسی آمده و میگوید: که چسپیدن به احکام خشک و بی معنا، مبارزه برای رهایی نیست، کسی را رها نیکند، که گفتن اینکه "کمونیسم اجتناب ناپذیر است"، پشیزی نمی ارزد. اگر کسانی پیدا نشوند و تصمیم به تغییری نگیرند، اگر جامعه را برای تغییر به جلو نتوانی بسپار و رهبری کنی، اگر یاد نگیری که چگونه روند تاریخی را به جایی برسانی، تا صدها سال دیگر همین است که هست، کارگر استثمار میشود، زن برده است، کودک بی حقوق است، از رفاه و آزادی خبری نیست و... کسی بیاید این مشعل انسانی را شعله ور کند، پیشاپیش یک جنبش عظیم دوباره از نو یکی یکی تعریف از انسان و حق و زندگی و آزادی و برابری و عدالت و غیره را روشن کند. حقیقتا توان و شهامت میخواست. منصور حکمت تجسم

انسانی این گونه رهبری پر توان و با جسارت بود. کار سخت و پر ثمر عمر سیاسی یک رهبر روشن بین و خوش فکر، یک مارکسیست واقع بین و بلند پرواز، رهبری خلاق و انساندوست که در فکر و عمل تغییرات و تحولات اساسی را با خود میآورد، اولین دستاوردی بود که یک جنبش را از قیود اساطیر رها کرد. منصور حکمت با شهامت و قدرت بی نظیر در نقد سوسیالیسم خلقی و ملی متوقف نشد. در مارکسیسم انقلابی جاخوش نکرد و آرام نگرفت. کمونیسم کارگری را در ابعاد وسیع در مقابل جامعه قرار داد. دنیای بعد از جنگ سرد را تحلیل کرد. ماهیت دمکراسی و حقوق بشر بورژوازی را به باد نقد گرفت. در مقابل فضای یاس و نومیدی پیام امید و آرزو را قرار داد. در مقابل توحش و تروریسم دولتی و غیر دولتی مدنیت و آسایش را قرار داد. برای جامعه ای آزاد و مرفه، برای لغو استثمار و ستم برای لغو تبعیضات و رهایی از مشقات و مصائب نظام سرمایه داری کمونیسم کارگری را قرار داد.

"... تمام داستان کمونیسم ما تغییر زندگی انسانهای معاصر است... تغییر و قدرت در عالم سیاست تنها کلمات نیستند. تغییر جامعه، پیشروی اجتماع و دگرگونی زندگی انسان، تحقق امیال و آرزوهای بشر برای رها شدن، محرومان برای این هدف باید قدرت داشته باشند. باید

کمونیسمی که مساله اش تغییر است بتواند قدرتمند و اجتماعی باشد. باید کمونیسمش کمونیسم فرقه و سکت نباشد. باید جنبش های سیاسی وسیع و توانا سازمان داد و رهبری کرد و به سر انجام رساند. باید هر کجا میسر است قدرت را تصرف کرد. باید نیروی قابل محاسبه در هر روند تاریخی شد. اینها تنها گوشه ای از گنجینه عظیم اندیشه و تفکر منصور حکمت بود. قدرت و محبوبیت منصور حکمت در درستی آن است. نقد سوسیالیسم خلقی، نقد اسلام سیاسی، درستی و صحت در بررسی های سیاسی و مهم مانند جنگ خلیج، دو خرداد، ۱۱ سپتامبر و... چند قلم از لیست طولانی است که محصول رهبری این انسان بزرگ است. نسل جوان و جامعه امروز، در جهان و در ایران نیاز مبرمی به منصور حکمت دارد. چون نیاز به دگرگونی دارد. چون نیازمند زندگی شایسته است. چون نیازمند رهای میباید. این نسل باید منصور حکمت را پرچم راه مبارزه کند. باید متد منصور حکمت را فهمید و بکار بست. منصور حکمت پرچم تغییر و قدرت است. پراتیک و گنجینه غنی فکری این اندیشمند بزرگ در مقابل نظام سرمایه داری قرن حاضر مشعلی است بر افروخته که باید بدست گرفته شود. جواب انسانی انسان است که در یک نسل متوقف نمی شود.

**زنده باد منصور حکمت**  
۱۷ مه ۲۰۰۳

## تشکر و قدردانی

در هفته های گذشته بخش قابل توجهی از مردم بوکان و حومه و دوستان زیادی از دیگر شهرهای کردستان و ایران در مناسبت درگذشت پدر عزیزمان محمدغریب حسینی (سید کمونیست) شرکت کردند و به شیوه های مختلف با ما احساس همدردی کردند. همچنین از میان اعضا، کادرها و رهبری حزب کمونیست کارگری، دوستان زیادی از طریق تلفن و ایمیل درگذشت پدرمان را به ما تسلیت گفتند. بی شک، غم و اندوه از دست دادن انسانی شریف و کمونیست که شریک مبارزه سه نسل از مبارزین و کمونیستها بود، تنها از طریق حضور شما مردم و دلگرمیها و تسلیتهای شما عزیزان قابل تحمل بود. ما در اینجا از مردم شهر بوکان و حومه و دیگر شهرها و تمام کسانی که از هر طریق درگذشت پدرمان را تسلیت گفته اند، نهایت تشکر و سپاس را داریم و لطف شما عزیزان را ارج می نهم.

**طه حسینی**  
**مهدی حسینی**

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ - (۱۸ - ۵ - ۲۰۰۴)

سازمان زحمتکشان هنوز مایل باشند، این وزنه مزاحم و مشکل ساز و بی خاصیت و حاشیه ای را بر دست و پای حمل کنند. دارند و بال گردن میشوند. پروژه سرهم بندی کردن یک فرقه ضد کمونیست، متعصب، قوم پرست و فلائز کردی، سرنوشت زوج فتوکپی و جعلی و دست ساز فرقه های اسلامی مشابه را این بار در بستر ناسیونالیسم کرد و احزاب اصلی آن پیشواری سازمان زحمتکشان گرفته است. وضعیت به جایی رسیده است که حال و روز ماموستا مهتدی کمترین ترحم را نیز جلب نمیکند

\*\*\*

## سرباز مذبذب ناسیونالیسم

خود پذیراست؟ این آقا شاید بتواند اسباب مضحکه و جوک دوائر همان ناسیونالیسم کرد و صاحبان پرچم کردستان را فراهم کند، اما امید واهی به تجدید حیات نوستالژی "کومه له ژ. ک"، و علم کردن این سکت و فرقه ارتجاعی مذهبی بعنوان زمینه تاریخی تغذیه سازمان زحمتکشان و تلاش برای رقیب امتیازداری پرچم کردستان با حزب دمکرات، فقط موجب خنده و تسمخ است. و واقعا جای تردید است که معماران بساز و بفروش

هم تلاش بیهوده و مسخره ای را برای خزین زیر پرچم کردستان با شعار بزی سوسیالیسم زیر پرچم سه رنگ و آفتاب دار کردستان شروع کرده است. آیا صاحبان اصلی پرچم کردستان، حاضرند یک شریک مذبذب، بی پرنسپ و با وضعیت نامشخص و معلق نقطه فرود بعدی را بدون دغدغه خاطر تحمل کنند؟ آیا در کردستان ایران ناسیونالیسم کرد، ملا کریکار ناسیونالیست متعصب و قوم پرست ناسیاسی و بی ربط و بی ریشه را بعنوان شریک